

بررسی تطبیقی شاخص وجدانی بودن شخصیت
از منظر نهج البلاغه و روان‌شناسی

رضا کهنساری* / رقیه خلیلی** / نعمت ستوده***

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱

چکیده

وجدانی بودن، استعداد ویژه‌ای است که خداوند در نهاد بشر قرار داده است تا در کنار دیگر تجهیزات، عهده‌دار کنترل، تنظیم و هدایت تکانه‌ها گردد. موضوعی که دو روان‌شناس مک‌کری و کوستا^۱، در طرح ۵ عاملی شخصیت به بخشی از آن تحت عنوان شاخص وجدانی بودن^۲ پرداخته‌اند و رویه‌هایی را جهت شناسایی این شاخص پیشنهاد نموده‌اند. تطبیق دو دیدگاه نهج البلاغه و روان‌شناسی می‌تواند چشم‌انداز دقیق و اثربخشی را به وجود آورد. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی رویه‌های شاخص وجدانی بودن شخصیت از منظر نهج البلاغه و روان‌شناسی است. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، شاخص وجدانی بودن از منظر نهج البلاغه بر اساس مدل پنج عامل شخصیت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد جامع‌نگری در تعیین مقیاس‌های این شاخص مهم‌ترین وجه تشابه دو دیدگاه است و مهم‌ترین تفاوت‌ها این است که در نظریه روان‌شناسی، به‌واسطه غفلت از ارتباط انسان با خداوند، نگاهی انسان محورانه ارائه شده است و بهزیستی فردی و اجتماعی محور قرار دارد. در حالی که نهج البلاغه ضمن توجه به

* استاد یار الهیات و فلسفه و کلام، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، سمنان kohsari888@gmail.com

** دانشجوی دکتری الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، سمنان r.khalili89@gmail.com

*** دانشیار، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی، سمنان sotodeh1@yahoo.com

1 . MaCrae & Costa

2 . Conscientiousness

بهبیستی مادی، و طرح مسئله در ابعاد وسیع‌تر، نگرشی خدامحورانه دارد و به تعالی روحی و ارتباط با خدا توجه ویژه دارد. با توجه به نتایج تحقیق ارتباط و پیروی از فرامین الهی نه تنها کمک کار این شاخص است بلکه پشتوانه و ضامن دوام آن خواهد بود.

واژگان کلیدی

نهج‌البلاغه، روان‌شناسی، شخصیت، وجدانی بودن، مدل پنج‌عاملی

طرح مسئله

بخش اعظمی از گزاره‌های دینی به انسان و اوصاف او اختصاص داده شده است. گاه او را با خصال پسندیده‌ای چون خلیفه الهی، دارای کرامت، مسجود ملائکه ستوده است و گاه با صفاتی چون: جزوع، منوع و هلوع مذمت می‌کند. از این بیان معلوم می‌شود که انسان دارای فطرت الهی و طبیعت خاکی است که همه فضایل و رذایل انسانی به آنها باز می‌گردد و هویت انسان بر اساس تمایل یا تهاون نسبت به این دو، یا به افق‌های عالی و مقام (او ادنی) (نجم/۹۷) دست می‌یابد، یا سیر ارتجاعی در پیش گرفته، دچار انحطاط شده و مصداق (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ)^۱ (اعراف/۱۷۹) خواهد شد. لذا لازم است انسان همواره نفس خود را رصد کند (أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَضِيعُ وَلَا يَمْسِي إِلَّا وَنَفْسُهُ ظَنُونٌ عِنْدَهُ فَلَا يَزَالُ زَارِيًا عَلَيْهَا)^۲ (نهج‌البلاغه/خ/۱۷۶) تا بتواند در تعارض و درگیری میان مراتب و درجات نفس، راه احسن را برگزیند. از این رو آدمی در کنار وحی، عقل و تجربه به نیروی فطری مجهز گردید (اعلموا عباد الله ان علیکم رصداً من انفسکم)^۳ (نهج‌البلاغه/خ/۱۵۷) تا قادر باشد تکانه‌ها را کنترل و در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کرده و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری تمایلات آزاد نماید و به هماهنگی میان نیازها دست یابد. قدرتی که غالباً از آن به وجدان «conscience» تعبیر می‌شود. نیروی باطنی که خوب را از بد تشخیص می‌دهد (معین/۱۳۷۹/۴/۹۷) نظری به سود و لذت ندارد. بلکه فقط آنچه را که وظیفه و تکلیف می‌داند به آن امرونی می‌کند. انسان در پرتو این ویژگی قادر خواهد بود از افتادن در وادی خطا، اشتباه، گناه و حرام برحذر بوده و به مقصد کمال نزدیک شود.

۱. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند.

۲. بندگان خدا بدانند که مرد با ایمان شب را به روز و روز را به شب نمی‌رساند جز که نفس خود را نزد خویش متهم می‌داند، پیوسته با آن عتاب دارد، و گناهکارش می‌شمارد.

۳. بندگان خدا بدانند که از شما بر شما نگاهبانانی است.



امیرالمؤمنین (علیه السلام) جهت نشان دادن تأثیر این عامل در رسیدن به مقصود می‌فرماید: تا زمانی که انسان تصمیم بر احیای وجدانش نگیرد هیچ عامل و موعظه بیرونی بر او مؤثر نخواهد بود «عِبَادَ اللَّهِ! زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُؤْذِنُوا، وَحَاسِبُوا هَمَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسِبُوا،... وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَعْزْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَزَاجِرٌ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مَنْ غَيْرَهَا لَا زَاجِرٌ وَلَا وَاعِظٌ»^۱ (نهج البلاغه / خ ۹۰) موضوعی که دو روان‌شناس؛ کاستا و مک‌کری، به عنوان یکی از پنج شاخص نظریه‌شان بدان پرداخته‌اند.

این نظریه جزء نافذترین نظریه‌های شخصیتی معاصر است، که با اصطلاح پنج عامل بزرگ شخصیت^۲ یا پنج بزرگ معروف شده است. این مدل به دلیل توانایی اندازه‌گیری صفات مختلف شخصیت مورد توافق و توجه روان‌شناسان مختلف قرار گرفته است. بر اساس این مدل انسان به عنوان یک موجود منطقی می‌تواند شخصیت و رفتار خویش را توضیح داده و به تجزیه و تحلیل آن بپردازد. این پنج عامل عبارتند از: وجدانی بودن^۳ (C)، برون‌گرایی^۴ (E)، گشودگی نسبت به تجربه^۵ (O)، توافق‌پذیری^۶ (A) و روان‌رنجورخویی^۷ (N) هر یک از این پنج عامل بزرگ به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شوند. مک‌کری و کوستا، این پنج عامل را صفات و زیرمقیاس‌های این عوامل را رویه^۸ می‌نامند. (مک‌کری و کوستا ۱۹۹۲؛ روبرت، مک‌کری و کوستا ۵۳/۲۰۰۶) شاخص وجدانی بودن در این نظریه به تفاوت‌های فردی در سازمان‌دهی، اجرای وظایف، کنترل تکانه‌ها و طرح‌ریزی برای انجام رفتارها اشاره دارد. فرد وظیفه‌گرا دارای هدف، خواسته‌های قوی و از پیش تعیین شده است. افراد با نمرات بالا در این شاخص، افرادی دقیق و وسواسی، وقت‌شناس، قابل اعتماد و مسئولیت‌پذیرند (تیلوپولوس، پالیر و کاکسون، ۲۰۱۰).

۱. بندگان خدا- کردار و گفتار- خود را بسنجید، پیش از آنکه آن را بسنجند، و حساب نفس خویش را برسید پیش از آنکه به حسابتان برسند... و بدانید آن کس که نتواند خود را بند دهد تا از گناه باز دارد، دیگری را نیابد تا این کار را برای او به جای آرد.

2. Five factor model (FFM)
3. Conscientiousness
4. Extroversion
5. Openness
6. Agreeableness
7. Neuroticism
8. facet



رویه‌های وجدانی بودن به ترتیب عبارتند از: کفایت، نظم، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت، خودنظمی، محتاط در تصمیم‌گیری^۱ (لورنس ای/۱۳۸۹/۲۲۵). همه این رویه‌ها با واژه‌ها و عبارات عینی و مفهومی مشابه در نهج البلاغه مطرح و ابعاد وسیع‌تری از آن تبیین و تشریح شده است.

با توجه به این که علوم بشری در مسیر رشد بوده و همواره با کاستی‌هایی مواجهه است و از طرفی متون دینی جامع، اصیل و ریشه در وحی الهی دارد به نظر می‌رسد بحران و عدم تعادل ابعاد وجودی انسان و تبعات آن اصلاح نمی‌گردد مگر با رجوع به آموزه‌های وحیانی و عرضه یافته‌های بشری بر تعالیم حیات‌بخش آن (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ)^۲ (انفال/۲۴). علی بن ابیطالب (علیه السلام) به عنوان مصداق کامل این آیه مکرر خطاب به مردم می‌فرمود: (أَيُّهَا النَّاسُ سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي)^۳ (نهج البلاغه/خ/۱۸۹). از این رهگذر است که می‌توان کمبودهای ناشی از نقص علوم بشری اصلاح و به آنها در ایجاد ساختاری نظام‌مند کمک شایانی نمود.

با توجه به این ظرفیت، مقالاتی در بررسی رابطه جهت‌گیری مذهب با صفات شخصیت (شیبانی و دیگران/۵۵/۱۳۹۴) نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی ابعاد دین‌داری تدوین یافته است. (دهستانی/۸۷/۱۳۹۴) اما تحقیقاتی که منحصرأً به شناسایی، بررسی و تطبیق این رویه‌ها پردازد صورت نگرفته است. مقاله حاضر بر آن است ضمن بررسی نگاه ویژه نهج البلاغه به وجدانی بودن و رویه‌های آن، با بهره‌وری از مباحث مطرح در نظریه ۵ عامل، میزان همسانی و اختلاف دو دیدگاه را مشخص و حتی المقدور الگویی اسلامی، جامع، علمی و قابل استناد ارائه دهد.

روش پژوهش

در این تحقیق، شاخص وجدانی بودن، بر اساس رویه‌های مطرح شده در نظریه ۵ عاملی و با استفاده از کتب تخصصی روان‌شناسی، مقالات منتشر شده و سؤالات پرسش‌نامه شخصیتی نئو-اف ای که

1 . Deliberation

۲ . ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

۳ . ای مردم پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من پرسید.



فرم کوتاه شده پرسش‌نامه شخصیتی نثو و دارای ۶۰ سؤال است تنظیم شده است. در نهج‌البلاغه نیز، معیارها و هنجارهای سنجش رفتار در این مقیاس‌ها بر اساس الگوهای مانند «مفاهیم اخلاقی توصیف‌کننده، مفاهیم معرف خشم و خشنودی خدا، تأکید بر ایمان، تشویق مؤمنان و پیامدهای رفتاری» تعیین و طبقه‌بندی گردیده است.

یافته‌ها

یکی از شاخص‌های نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت، وجدانی بودن است؛ که بررسی و تطبیق رویه‌های آن با نهج‌البلاغه مورد نظر پژوهش حاضر می‌باشد. لذا جهت ایجاد بستر و زمینه مناسب برای درک مفاهیم نهج‌البلاغه، ابتدا رویه‌های نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت در روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- شناخت رویه‌های وجدانی بودن شخصیت در نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت

صاحبان نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت، شش رویه را برای شناسایی شاخص وجدانی بودن تعیین کردند که به ترتیب عبارتند از: کفایت، نظم، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت، خودنظمی و محتاط در تصمیم‌گیری (پروین و جان، ۱۳۸۶/۲۱۹).

C1 کفایت (شایستگی)^۱:

کفایت به احساس فرد نسبت به توانایی‌ها، عقل، تدبیر و تأثیر بر محیط باز می‌گردد. در این رویه، افراد نسبت به خود، احساس خوشایند ارزشمند بودن، خودباوری واقعی، تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی دارند. در این رویه نمره بالا نشان‌دهنده آمادگی و قابلیت فرد در رویارویی با مسائل زندگی است؛ و نمره پایین نشان‌دهنده ارزیابی منفی نسبت به توانایی‌ها و احساس ضعف و ناتوانی در برخورد با مشکلات است. از بین همه رویه‌های باوجدان بودن، شایستگی ارتباط بیشتری با عزت نفس و اتکا به خود دارد. (کاستا، مک‌کری و دی، ۱۹۹۱)

1 . Competence

C2 نظم^۱:

نظم در این رویه بدین معناست که فرد، شخصاً اعمال خود را تحت‌قاعده درآورد، خویشتن را کنترل و هدایت کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نماید. برطبق این تعریف نظم از چند مؤلفه (آگاهی و بصیرت، آزادی مشروط، خودکنترلی یا انضباط شخصی و مداومت) تشکیل شده است. (ورسلی، ۱۳۸۸ ترجمه معیدفر/۵۷) افراد دارای نمره بالا در این رویه، تمیز، منظم و دارای سازماندهی مناسب رفتاری می‌باشند. نمره پایین نشانگر افرادی است که نمی‌توانند منظم باشند و خود را فاقد برنامه مشخص کوتاه‌مدت یا طولانی‌مدت می‌دانند. در انتهای بالای طیف این مقیاس، افراد با اختلال وسواس قرار می‌گیرند. (پروین و جان، ۲۱۹/۱۳۸۶؛ حق‌شناس / ۳۱/۱۳۹۵)

C3 وظیفه‌شناسی^۲:

این بعد شامل گرایش پیشرفت (سخت‌کوشی و مقاومت)، قابلیت اعتماد و اطمینان (مسئول و دقیق) و نظم و ترتیب (با برنامه و سازمان‌یافته) است. وظیفه‌شناسی نسبتاً به‌طور استواری با رفتارهای پویا همچون جستجوی فعال شغل (کانفر و آکرمن^۳، ۲۰۰۴) عملکرد پویا و جستجوی فعال اطلاعات و بازخورد (تیدول و سias^۴، ۲۰۰۵) پیوند یافته است. گرایش اساسی این افراد، قبول مسئولیت و تلاش در جهت موفقیت است. این افراد به‌طور هم‌زمان گرایش به متکی و مطمئن بودن به خود، و انتظار موفقیت در موقعیت‌هایی که در آن واقع شده‌اند را دارند. (وانبرگ و کامیرمولر^۵، ۲۰۰۰) افراد با نمرات بالا به اصول اخلاقی خود پایبند بوده و تعهدات اخلاقی‌شان را به طور دقیق انجام می‌دهند و افراد با نمرات پایین با مسائل اخلاقی آسان‌تر از دیگران برخورد می‌کنند و ممکن است تا حدی غیرمسئول و بی‌ثبات باشند. (پروین و جان، ۲۱۹/۱۳۸۶، حق‌شناس / ۳۷/۱۳۹۵)

C4 تلاش برای موفقیت^۶:

- 1 . Order
- 2 . Dutifulness
- 3 . Kanfer & Ackerman
- 4 . Tidwell & Sias
- 5 . Wanberg & Kammeyer-Mueller
- 6 . Achievement Striving



این افراد سالم و پرتلاش بوده و اکثراً دارای اهداف مشخصی می‌باشند. افرادی که در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرند، سطح آرزوی بالایی دارند، ساعی و هدفمند هستند و در زندگی قدرت جهت‌دهی خوبی دارند. این افراد اصطلاحاً معتاد به کار نامیده می‌شوند. افراد نمره پایین در این مقیاس، بی‌رمق، بی‌حال و احتمالاً تنبل هستند؛ و برای موفقیت، تلاش نمی‌کنند؛ و ممکن است فردی بی‌هدف جلوه کنند. این افراد غالباً به کاستی و کم بودن تلاش خود برای موفقیت اعتراف می‌کنند. (مک‌کری و کوستا / ۱۹۹۲؛ حق‌شناس / ۳۷/۱۳۹۵).

C5 خودنظمی (خویشتن‌داری)^۱:

خودنظمی یعنی فرد کنترل رفتارها، احساسات و غرایز خود را با وجود برانگیختن برای عمل داشته باشد (فرایز و هوفمن^۲، ۲۰۰۹). افراد دارای خودکنترلی درونی اعتقاد دارند تقویتی که آنها دریافت می‌کنند تحت کنترل رفتارها و ویژگی‌های خود آنها است. لذا کاری که آغاز کرده‌اند را علی‌رغم وجود سختی‌ها و مشکلات به سرانجام می‌رسانند. (شولتز و شولتز / ۱۹۹۸؛ ترجمه: سیدمحمدی / ۱۳۹۱). در این رویه، نمره بالا نشان‌دهنده توانایی فرد در وادار کردن خود برای انجام دادن کارهاست. افرادی که در این رویه نمره پایینی می‌گیرند، در شروع کارها تعلل کرده و به‌آسانی ناامید می‌شوند و کار را متوقف می‌کنند؛ و به‌آسانی با تکانشی شدن گیج و سردرگم می‌شوند. شتاب‌زدگی زیاد و نظم درونی کم، هر دو نشانگر ضعف در کنترل خویش است. (مک‌کری و کوستا / ۱۹۹۲؛ حق‌شناس / ۳۸/۱۳۹۵).

C6 انعطاف‌ناپذیری (محتاط در تصمیم‌گیری)^۳:

این رویه به معنی گرایش به تفکر دقیق قبل از عمل و انعطاف‌ناپذیری در برنامه است. افراد دارای نمرات بالا با تأمل زیاد و احتیاط‌کار می‌کنند. افراد دارای نمره پایین اصطلاحاً عجول و دستپاچه هستند و اغلب بدون توجه به نتیجه، فکر و یا صحبت کرده و عمل می‌کنند. با دید خوش‌بینانه می‌توان گفت که افراد با نمره پایین، افراد خودجوشی بوده و می‌توانند در مواقع ضروری به‌سرعت تصمیم‌گیری کنند. (پروین و جان، ۲۱۹/۱۳۸۶؛ حق‌شناس / ۴۱-۴۳)

- 1 . Self Discipline
- 2 . Friese & Hofmann
- 3 . Deliberation

ب- شناخت رویه‌های وجدانی بودن شخصیت در نهج البلاغه

در این قسمت به شرح و تفصیل شش رویه شاخص وجدانی بودن که در قسمت پیشین در نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت بررسی شد، از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته شده است.

کفایت:

از مبحث کفایت در اسلام با عنوان کرامت نفس، مناعت طبع، نفاست نفس یاد می‌شود. واژه کرم دارای معانی گوناگونی چون بزرگواری و برتری، صفتی ضد پستی و فرومایگی (ابن منظور ۵۱۰/۲)، شرافت مرد، شیء نفیس و... است. (فراهیدی، ۳۶۸/۵) کرامت علاوه بر صفت ایجابی آن، یعنی آراسته شدن به ارزش‌ها و اعتلای به بلندی، وصف سلبی نیز دارد و آن دوری جستن از رذایل و هر چه سبب حقارت و پستی انسانیت است، می‌باشد. (جوادی آملی ۲۳/۲۳) خودشناسی و معرفت نفس، یکی از عناصر مهم ارزشی و لازمه شروع هر کار و ملاک و معیار هر برنامه و حرکتی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُخْتَجٌّ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» (محمودی ۲۱۰/۷/۱۳۷۶؛ حرانی ۱۱۹/۱۴۰۴) یکی از اهدافی که گزاره‌های دینی در خودشناسی دنبال می‌کند شناسایی و آگاهی از صفات و توانمندی‌ها جهت پرورش و شکوفایی احساس کفایت در افراد است. از منظر اسلام احساس خودباوری، توانایی و دریافت واقع‌بینانه از خویش با پی بردن به کرامت و ارزش نفس حاصل می‌شود. (اسراء/۷۰) لذا امیرالمؤمنین علیه السلام آن‌را در قالب یک مرزبندی و معیار جدید، جهت تفکیک عالم و جاهل بیان نموده و می‌فرماید: «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَكَهَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ»^۱ (نهج البلاغه/خ/۱۶/۱۰۲) حضرت در سفارشی به امام مجتبی علیه السلام با تعبیری که نشانگر نفاست نفس است، هشدار می‌دهد که این شی ارزشمند که سرمایه هستی و مافوق هر ارزشی است را نباید از دست داد. حضرت علیه السلام می‌فرماید: «أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرَّعَابِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاصَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا»^۲ در اسلام معیار ارزیابی کفایت، دارایی، قبیله و نژاد و دستاوردهای مادی نیست. بلکه این رویه در بسترهایی می‌روید و با

^۱ . وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

^۲ . دانشمند کسی است که ارزش خود را بشناسد، و برای نشان نادانی شخص همین بس که ارزش خویش را نشناسد.

^۳ . خویشتن خویش را از هر پستی و فرومایگی ارجمند دار، اگرچه تو را به خواسته‌های پسندیده کشاند، زیرا در برابر از دست

دادن سرمایه هستی انسانی هیچ برابری به دست نخواهی آورد.



عواملی چون نفخ روح الهی در انسان و مقام خلیفه الهی پیوند دارد، که بدون تأمین بایسته این بسترها و عوامل هرگز پایدار و ارزشمند نخواهد بود.^۱ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تُرْفَعُ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ إِنْسَانًا... وَاسْتَأْدَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَدَبَعَتْهُ لَدَيْهِمْ، وَعَهَدَ وَصِيَّتَهُ إِلَيْهِمْ، فِي الْإِذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ، وَالْخُضُوعِ لِتَكْرِمَتِهِ» (نهج البلاغه/خ/۱)^۲ علاوه بر آن امام (علیه السلام) با تبیین مرز دقیق این روبه، مانع ورود افراد به گونه‌های انحرافی، اعتماد به خود، و ورود به حوزه کبر و خودپسندی و با ذلت و حقارت نفس می‌شود. چنان که برخی دستورات در نامه مالک اشتر و همچنین سراسر خطبه قاصعه روشنگری امام (علیه السلام) در تبیین این روبه و حالت افراط گونه آن است. (نهج البلاغه/خ/۱۹۲، ن/۵۳)

نظم و برنامه‌ریزی:

از جمله صفات الهی نظم و تدبیر امور عالم است. (قمر/۴۹)^۳ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد نظم و زمان‌دار بودن امور عالم می‌فرماید: «أَحَالَ الْأَشْيَاءَ لِأَوْقَاتِهَا»^۴ (نهج البلاغه/خ/۱). وجود این مقیاس در زندگی بشر چنان ضروری است که امام علی (علیه السلام) در تبیین جایگاه و اهمیتش آن را از ارزش‌های برتر اسلامی و همدریف تقوای الهی قرار داده است. «أَوْصِيكُمْ، وَجَمِيعِ وُلْدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ، وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»^۵ (نهج البلاغه/نامه ۴۷) ایشان نظم و برنامه‌ریزی را سبب شفافیت اهداف، افزایش بهره‌وری و تسریع و تسهیل امور و مانع اتلاف وقت، ندامت و تألم روحی می‌داند: «التَّذْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ»^۶ (نهج البلاغه/نامه ۴۷، ح/۴۰۳؛ ابن بابویه القمی/۱۴۰۰/۴۴۷) و آن را از وسایل و امکانات، مهم‌تر، مؤثرتر و حتی باعث افزایش امکانات برمی‌شمرد: «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ»^۷

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» حجرات/۱۳

۲. آنگاه خداوند از روح خود در آن دمید، پس انسانی نمایان و بر پا گشت.. سپس، از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند ادا کنند و عهده را که پذیرفته‌اند وفا کنند. در این‌که برای سجده به آدم تن در دهند! و بر کرامتش سر فرود آورند.

۳. «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»

۴. ترتیب آفرینش را منظم کرد، و اشیا را به وقت خود حواله داد.

۵. شما دو تن، و همه فرزندان و خاندانم و هر کس که نوشته من به او رسد را به پروای خدا، و به برنامه‌ریزی و نظم در کارتان، سفارش می‌کنم.

۶. تدبیر کردن پیش از عمل، مانع پشیمانی است.

۷. ظرافت در چاره‌یابی کارآمدتر است از وسیله و دست آویز.



(ری شهری/۱۴۱۶/۱/۷۰۸) و در نهایت عقلی بودن آنرا مورد تأیید قرار داده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ»^۱ (نهج البلاغه/ح/۱۱۳) امام علی (علیه السلام) التزام و پایبندی به برخی مسائل را سبب انتظام امور معرفی می‌کند. از جمله این موارد عبارتند از:

۱- برنامه عملیاتی و کوتاه مدت:

تحقق فعالیت در هرروز، برنامه‌ای کوتاه مدت می‌طلبد تا کارها در جدول زمانی خاصی انجام پذیرد؛ از این رو زمان بندی و نظم دادن به امور در برنامه عملیاتی، البته با لحاظ اولویت‌ها، عنصری مهم تلقی می‌شود.^۲ (نهج البلاغه/خ/۶۴، نامه ۴۵) حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»^۳ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲- توزیع مناسب زمان:

با عنایت به این که زمان گنجایش انجام تمام کارها را ندارد، باید به گونه‌ای به کارها نظم داد که هم میان ابعاد مختلف زندگی تعادل ایجاد نمود و هم از فرصت کوتاه عمر به بهترین نحو بهره برد. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ لِي لَيْلَكَ وَنَهَارَكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَأَقْسِمُهَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَرَاحَتِكَ»^۴ (آمدی، ۱۳۶۶ش، حکمت ۱۱۰۳۵) حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَتَأَجَّبُ فِيهَا رَبُّهُ وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَسَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا حِلٌّ وَيَجْمَلُ وَيَلِيسُ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ»^۵ (نهج البلاغه/ح/۳۹۰)

^۱ . هیچ خردی چون تدبیر نیست.

^۲ . فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ، وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ، وَإِتَابُوا مَا يَنْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ... (بندگان خدا! از خدا پروا بگیرید، و با عمل‌های نیک بر اجل‌های خود پیشی بگیرید و در تجارتگاه دنیا با آنچه از دست شما می‌رود کالایی بخرید که برای شما باقی میماند....)

^۳ . و برای هر روز، کار همان روز را به اجرا بگذار، زیرا هر روزی کار مخصوص به خود دارد.

^۴ . ساعات روز و شب گنجایش تمام نیازهای تو را ندارد، پس آن‌ها را میان کار و استراحت تقسیم کن.

^۵ . مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است، و ساعتی که در آن زندگانی خود را کارساز است، و ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس دمساز است، و خردمند را نسزد که جز پی سه چیز رود: زندگی را سر و سامان دادن، یا در کار معاد گام نهادن، یا گرفتن کام از چیزهایی غیر حرام.

۳_ تناسب عمل با زمان و موقعیت مناسب:

حضرت علی (علیه السلام) ضرورت لحاظ زمان‌های خاص دارای ظرفیت ظهور حداکثری قابلیت‌ها و توانایی‌ها^۱ (کراجکی/ ۱۴۱۰/ ۱/ ۳۱۹؛ ابن ابی الحدید/ ۱۳۷۷/ ۲۰/ ۲۶۷) را در این گزینه مورد دقت و تاکید قرار داده است، حضرت (علیه السلام) درباره دوران کودکی می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَتَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^۲ (نهج البلاغه/ ن/ ۳۱) ایشان هم‌چنین در ضرورت توجه به ظرفیت جسمی و روحی افراد می‌فرماید:

«إِنَّ لِقُلُوبٍ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوْفِيقِ وَإِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»^۳
(نهج البلاغه/ ح/ ۳۱۲)

۴_ دینداری و التزام به تعهدات دینی:

خداوند برای احکام و تکالیف شرعی شرایط مخصوص وضع نموده است. به‌گونه‌ای که نه پیشی گرفتن و نه جا ماندن از آن را می‌پذیرد. تمام این بایدها و نبایدها علاوه بر آن که به این منظور است که تمام فعالیت‌ها و خطوط زندگی افراد، هدف مفید و سازنده‌ای را دنبال کند، نشانه برخورداری دین از نظم در تمام ابعادش می‌باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«صَلِّ الصَّلَاةَ لِقَوْلِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِفَرَاغٍ وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتُهَا لِاسْتِغَالٍ»^۴
(نهج البلاغه/ ن/ ۳۱) بنابراین می‌توان گفت بین التزام به تعهدات دینی و زندگی بر اساس نظم، رابطه‌ای نزدیک و همسو وجود دارد.

وظیفه‌شناسی:

وظیفه‌شناسی، ویژگی فطری مهمی است که همراه با مسئولیت‌پذیری در نهج البلاغه برای همگان خصوصاً دولت‌مردان ضروری توصیف شده است. این دو پدیده مهم ارزشی در کنار پابندی به اصول و

۱. (تعلموا العلم صغارا تسودوا به كبارا) در خردسالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت نائل آئید.

۲. دل جوان نوحاسته، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است، هر بذری که در آن افشاندن شود می‌پذیرد و در خود می‌پرورد.

۳. دل‌ها را روی آوردن و روی برگرداندنی است اگر دل روی آرد آن را به مستحبات وادارید، و اگر روی برگرداند، بر انجام واجباتش بسنده دارید.

۴. نماز را در همان هنگام به جای آر که برایش تعیین کرده‌اند، و برای داشتن فراغت در گزارندن آن شتاب مکن، و برای پرداختن به کاری نیز از هنگام خودش آن را پس میانداز.



تعهدات اخلاقی در دو بعد درونی و بیرونی، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. چنان‌که علی علیه السلام در شرایط بحرانی و تحت فشار اطرافیان در قبل و بعد از خلافت، حاضر به شکست این حریم سه‌گانه نگردید. به‌عنوان مثال زمانی که به امام علیه السلام گفتند: مردم به مال دنیا دل بسته شده‌اند، و معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنها را جذب می‌کند. شما هم از اموال عمومی به اشراف و بزرگان ببخش و از تقسیم بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند می‌فرماید:

« أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُئِيَتْ عَلَيْهِ وَاللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرًا وَمَا أَمْ نَجْرًا فِي السَّمَاءِ نَجْمًا لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ... » (نهج البلاغه / خ ۱۲۶)

امام علیه السلام، ایمان و تقوی را از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پابندی به این رویه برشمرده است. خطبه همام، یکی از مفصل‌ترین بیان‌های حضرت علیه السلام است، که به تفصیل، به تأثیر تقوا در مسئولیت‌پذیری پرداخته است؛ و به‌خوبی ابعاد مختلف شخصیتی اهل تقوی و میزان دقت و تلاش آنها را در انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد. با عنایت به محتوای این خطبه می‌توان گفت ایمان و تقوی تا حدی بر این رویه مؤثرند که فقدان آنها، نه‌تنها سبب شانه خالی کردن از مسئولیت‌های دینی می‌شود، بلکه به امور دنیوی و به وظایف فردی و اجتماعی نیز خدشه وارد می‌سازد. (نهج البلاغه / خ ۱۹۴)

گزاره‌های دینی و به‌تبع آن امیرالمؤمنین علیه السلام راهکارهای مختلفی جهت تقویت رویه فوق مطرح می‌کنند. به‌عنوان مثال تعیین حیطه وظایف و مسئولیت‌ها، تشکیل کمیته ناظران و مأموران مخفی^۱، استفاده از تشویق و توبیخ (نهج البلاغه / ن / ۶۱)^۲، مقید کردن تکالیف شرعی به زمان‌ها و مکان‌های خاص به صورتی که انجام اعمال شرعی در غیر آنها سبب بطلان و عدم پذیرش و یا مجازات می‌شود. سبب می‌گردد افرادی منظم و باشخصیت و وظیفه‌شناس پرورش یابند.

۱. مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی اویم به خدا که، نپذیرم تا جهان سرآید، و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم، که چنین تقسیم سزا است - تا چه رسد که مال، مال خدا است.

۲. سرتا سر نامه ۵۳ نهج البلاغه که عهد نامه امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر است. حیطه و جزئیات وظایف وی و تمامی عواملان و کارگزارانی که به دستور مالک، عهده دار مسئولیتها خواهند شد. مشخص شده است.

۳. کمیل بن زیاد؛ یکی از کارگزاران امام علیه السلام بر هیت بود. زمانی که از وظیفه خود تخطی کرده و به جای مقابله با دشمنان، به انجام کاری که از حیطه وظایفش خارج بوده اقدام می‌کند به سختی مورد نکوهش قرار می‌گیرد.

جدول ذیل بیانگر برخی از این موارد است.

حوزه	وظایف و مسئولیت‌ها	متون روایی مرتبط
زمان	زمان دار بودن تکالیف شرعی (لحظه، ساعت، روز، ماه)	(اسراء/ ۷۸، بقره/ ۱۹۶/ ۲۰۳، نهج البلاغه/ خ/ ۱۹۰، ن/ ۲۷، ۵۲، ح/ ۳۴۴، ۳۳۷)
مکان	وضع حرمت در ورود به برخی مکان‌ها شرط پذیرش اعمال، انجام آنها در مکان‌های خاص	(بقره/ ۱۵۸، نساء/ ۴۳، نهج البلاغه/ خ/ ۱۹۲)
موضوع	اعتقادی، اخلاقی و عملی؛ مسئولیت در برابر جسم خود، هموعان، زیردستان، حیوانات و طبیعت.	(نساء/ ۲۵، مائده/ ۲، محمد/ ۲۸، نهج البلاغه/ خ/ ۱۲۷، نامه/ ۳۱، ۶۷، ح/ ۲۵۲)

تلاش برای موفقیت:

این عامل یکی از عمده‌ترین ابزاری است که انگیزش را از برون به درون فرد می‌کشانند. دستیابی به موفقیت درگرو عناصر مهمی چون: تعیین اهداف مطابق ارزش‌ها و اهداف عالی و نیازهای واقعی زندگی و سعی و تلاش برای دستیابی به آن است. در این راستا امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى نَهَايَتِكُمْ وَإِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَاهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ» (نهج البلاغه/ خ/ ۱۷۶، ح/ ۲۳۷)

امام علی (علیه السلام) شروطی چون واقع‌بینی و اولویت‌بندی فعالیت‌ها را جهت سازماندهی اهداف تعیین می‌کند. چنان‌که در نامه‌ای خطاب به ابن عباس می‌فرماید: آدمی به چیزی شاد می‌شود که از او نخواهد برید، و به چیزی اندوهناک می‌شود که بدان نخواهد رسید. پس مبدا نیکوترین چیز که از دنیای خود برخورداری، رسیدن به لذتی بود یا بکار بردن خشمی که در سینه داری. بلکه باید باطلی را بمیرانی یا حقی را زنده گردانی، و باید که شادمانیت به چیزی باشد که از پیش فرستاده‌ای و دریغ بر آنچه به جای می‌گذاری، و هم خود را بدان چه پس از مردن تو را باید بگماری. (نهج البلاغه/ ن/ ۶۶) هم‌چنین می‌فرماید: اگر اعمال مستحب به واجبات زیان رساند، هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نیست و بنده را به خدا



۱. پس به پایان رسانید به پایان رسانید و پایدار مانند پایدار مانند پس شکیبایی شکیبایی پس پارسایی پارسایی شما را پایانی است، خود را بدان برسانید. برای شما نشانه‌ای است، آن را راهنمای خود دانید. و برای اسلام هدف و مقصدی است به آن دسترسی پیدا کنید.



نزدیک نمی‌گرداند.^۱ (نهج البلاغه/ح ۳۹، موارد مشابه خ ۱۵۴، ح ۴۰۳/ن ۴۵، ۳۱). این شروط ضمن اینکه سبب دستیابی به اهداف متعالی می‌شود، انگیزه فراوانی را جهت تلاش و تحقق مقصود در افراد ایجاد می‌کند. «مَنْ كَبَّرَتْ هِمَّتُهُ كَبَّرَ اهْتِمَامَهُ»^۲، (تمیمی/ح ۱۰۲۷۷) تلاشی که ارزش انسان به میزان آن سنجیده شده است. «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»^۳ (نهج البلاغه/ح ۴۷) و مداومت بر آن در تمام طول حیات سفارش شده است. «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِحْتِهَادِ، وَالتَّهَبُّبِ وَالْإِسْتِعْدَادِ...»^۴ (نهج البلاغه/خ ۲۳۰) حالت نابهنجار این مقیاس در زبان نهج البلاغه با کلماتی نظیر «توانی و تلوم» (نهج البلاغه/ح ۲۳۹، خ ۱۲۳) و تجاوز و عجله (نهج البلاغه/ن ۵۳، ۲۹، ۶۱، خ ۵) بیان شده است و با مدیریت زمان و وجوب برخی اعمال در کسالت و نشاط مرزبندی می‌شود. (نهج البلاغه/ن ۶۹، ح ۳۹۰؛ ابن شعبه حرانی/۱۴۰۴ق/ ۹۹)

نظم درونی (خویشتن داری):

خود نظم دهی، توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر است. (نگاه قرآن به خویشتن داری/ص ۳۷) خویشتن داری، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهی هویت و جهت دهی به رفتار و به عبارتی یکی از بنیان‌های رفتاری است که در تقابل هوی نفس قرار می‌گیرد. هوی نفس، به عنوان یک مانع جدی در مقابل این رویه، هوشیاری زیاد و دائمی را طلب می‌کند. به گونه‌ای که لحظه‌ای نمی‌توان از آن غافل شد. حضرت علی (علیه السلام) با تأکید بر مراقبت نفس در سفارشی می‌فرماید: «لَا تَرْخَّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتَذْهَبَ بِكُمْ الرَّخْصُ مَذَاهِبِ الظُّلْمَةِ»^۵ (نهج البلاغه/خ ۸۵) از آنجاکه فقدان این توانمندی آسیب‌های شدید فردی و اجتماعی به همراه دارد، لذا امام علی (علیه السلام) همواره افرادی که دلبستگی به دنیا و هوی پرستی سبب تکان شوری زیاد و نظم درونی کم آنها شده است را نصیحت و یا مورد سرزنش قرار می‌دهد. چنان که در نکوهش مردم در عدم مقابله با یورش معاویه به شهر انبار فرمود: «زشت باد روی شما و از اندوه برون

۱. «لَا فُرْبَةَ بِالنَّوْافِلِ إِذَا أَصْرَتْ بِالْفَرَائِضِ»

۲. کسی که همتش بزرگ باشد اهتمام و تلاشش نیز بزرگ خواهد بود.

۳. ارزش مرد به اندازه همت اوست.

۴. پس بر شما باد به کوشش و کوشیدن، و ساخته شدن و آماده گردیدن. ..

۵. به خود رخصت ندهید که در نتیجه شما را به تدریج به کیش‌های ستمگران (راه‌های تیره) برساند.



نیاید که آماج تیر بلائید، بر شما غارت می‌برند و ننگی ندارید... خدا را نافرمانی می‌کنند و خشنودی می‌نمایند. اگر در تابستان شمارا بخوانم، گوئید هوا سخت گرم است، مهلتی ده تا گرما کمتر شود. اگر در زمستان فرمان دهم، گوئید سخت سرد است، فرصتی ده تا سرما از بلاد ما به درشود... ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی‌خرد، که عقل‌های شما به عروسان حجله آرای، شباهت دارد، شما که از گرما و سرما چنین می‌گریزید، با شمشیر آخته کجا می‌ستیزید ای نه مردان صورت مرد، ای کم‌خردان ناز پرورد کاش شمارا ندیده بودم و نمی‌شناختم»^۱ (نهج البلاغه / خ ۲۷) در متون دینی وازگان تقوا و صبر پیوند معنایی عمیق و موثقی با مفهوم نظم درونی دارند. به‌گونه‌ای که با بهره‌گیری از این دو عامل می‌توان در مقابل سختی‌ها باصلابت ایستاد. امام علی (علیه السلام) با تعابیری چون: خار در چشم و استخوان در گلو، حیاتی بودن نظم درونی را با توصیف موقعیت دشوار خویش جهت تحقق اهداف اسلام به تصویر می‌کشد. (نهج البلاغه / خ ۳، خ ۲۰۸)

انعطاف‌ناپذیری (محتاط در تصمیم‌گیری):

تصمیم‌گیری نوعی واکنش است که فرد در برابر یک مسئله از خود نشان می‌دهد. به بیانی؛ بین وضع موجود و وضع موردنظر فاصله یا تفاوت هست. و برای رسیدن به وضع موردنظر باید اقداماتی صورت گیرد. (رایبزر، ۱۳۷۷ ش، ۱/۲۲۰) در گزاره‌های علوی، حزم و احتیاط به همراه تدبیر به معنی تأمل و تحلیل عمل و بازتاب‌ها، آینده‌سنجی و اقدام مبتنی بر آن، لازمه هرگونه تصمیم‌گیری و اقدام و عامل موفقیت است «إِذَا اقْتَرِنَ الْعَزْمُ بِالْحَزْمِ كَمَلَتِ السَّعَادَةُ» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، حکمت ۱۰۸۶۵) جهت تصمیم‌گیری محتاطانه رعایت شروط و مراحل ضروری می‌نماید. از جمله:

۱. کسب اطلاعات:

لازمه هرگونه تصمیم‌گیری صحیح و منطقی، کسب اطلاعات، شناخت دقیق و احاطه علمی بر آن است. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

۱. قُبْحًا لَكُمْ وَتَرَحًا، حِينَ صِرْتُمْ غَرَضًا يَرْمَى... وَيَعْصَى اللَّهُ وَتَرَضُونَ! فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَاءُ الْقَيْظِ أَفْهَلْنَا يَسْبِخُ عَنَّا الْحَرُّ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَاةُ الْقُرَى، أَفْهَلْنَا يُسَلِّخُ عَنَّا الْبَرْدُ، ... يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لِأَرْجَالِ! حُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَعُقُولُ رِيَابِ الْحِجَالِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرُكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً.



«الْعَامِلُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ»^۱. (نهج البلاغه/خ/۱۵۳)

۲. ارزیابی و یافتن راه‌حل‌های مختلف:

این مرحله نگاه واقع‌بینانه‌ای را می‌طلبد و بر تصمیم‌گیرنده لازم است که اهداف و آرمان‌ها را از یکدیگر تمیز داده و تنها بر راه‌حل‌های اولیه و ابتدائی اکتفا نکند. حضرت پیرامون نقش عقل در تشخیص و گزینش بهترین راه‌حل‌ها می‌فرماید: «كَمَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْصَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ»^۲ (همان، حکمت ۳۹۲). در این راستا یکی از عناصر اساسی در تحقق مفهومی حزم، خردورزی و کیاست است «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ»^۳ (نهج البلاغه/ح/۴۸) امیرالمؤمنین هم چنین شتاب پیش از توانایی بر انجام کار و اندیشیدن درباره آنرا پس از پایان کار را نشانه بی‌خردی می‌داند؛ و می‌فرماید: «مِنَ الْخُرْقِ الْمَعَاجِلَةِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ وَالْأَثَاءِ بَعْدَ الْفُرْصَةِ»^۴ (نهج البلاغه/ح/۳۶۳)

۳. صلابت و انعطاف ناپذیری در اجرای تصمیم:

زمانی که تصمیم‌گیرنده به حقیقت و واقعیت مطلب دست یافت. لازم است آن‌را مبنای تصمیم خود قرار داده و بدون هیچ‌گونه اغمازی، تصمیم مناسب را اتخاذ کرده و نسبت به اجرای آن اقدام کند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهَنَّمًا وَيَقِينَكُمْ شَكًّا إِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا وَإِذَا تَيْقَنْتُمْ فَأَقْدِمُوا»^۵ (نهج البلاغه/ح/۲۶۰) از این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که این رویه حداقل با شتابزدگی، احتیاط بیش از حد و مدهانه تهدید می‌شود. البته باید توجه داشت گرچه اسلام، در برخوردهای اجتماعی توصیه به رفتار توأم با انعطاف و مدارا دارد؛ اما انعطاف‌ناپذیری اصل و لازمه تنظیم و اجرای برنامه‌های

۱. آن کس را که بدون دانش به کار پردازد، هم‌چون رونده به بیراهه‌ای می‌داند که جز به دور شدن از آن چه دنبال می‌کند، نمی‌افزاید.
۲. از خردت تو را همین بس که راه گمراهیت را از راه راست بالندهات روشن گرداند.
۳. پیروزی به دور اندیشی است و دور اندیشی در به کار انداختن رأی و به کار انداختن رأی در نگاهداشتن اسرار.
۴. از گولی و ندانم کاری است: پیش از فراهم کردن زمینه و توان، به کاری دست بردن، و پس از انجام گرفتن کار، درباره آن اندیشیدن و درنگ کردن.
۵. دانش خود را به گونه‌ای نادانی تبدیل نسازید، و یقین خود را به شک برنگردانید. هنگامی دانستید به کار پردازید و چون به یقین رسیدید پای پیش گذارید.

اصولی است؛ که اسلام آنرا در قالب تکالیف شرعی تنظیم نموده است؛ و بدین وسیله حدود مرز و کمیت و کیفیت آنرا تعیین می‌نماید. (جدول وظایف‌شناسی/ ۵) اینجاست که بین انعطاف ناپذیری و عمل به باورهای دینی پیوند و ارتباط معنا داری شکل می‌گیرد. (کشاوری و دیگران/ ۱۳۸۸/ ۹۴)

بحث و نتیجه‌گیری:

عمده‌ترین هدف این پژوهش شناسایی و تطبیق شاخص وجدانی بودن در اسلام و روان‌شناسی بود. با در نظر گرفتن این شاخص در نظریه ۵ عاملی شخصیت و بررسی جداگانه هر کدام از مؤلفه‌های آن در متون دینی، مهم‌ترین تشابهات، تفاوت‌ها و تعارضات دو دیدگاه، در این شاخص در جدول ذیل ارائه می‌شود.

مقیاس	رویکردها	تشابه	تفاوت	تعارض
C1	نهج‌البلاغه	کارایی مفید، ارزشمندی و احترام به خود - تأکید بر خودشناسی در ایجاد و ارتقاء کفایت	- کفایت در قالب اندیشه و رفتار و ناظر بر امور معنوی است - کرامت تکوینی و اکتسابی	- جهان‌بینی: نگاه خدامحورانه و مؤثر دانستن انگیزه‌های متعالی در هر مقیاس
	نظریه ۵ عاملی	- یکسانی مؤلفه‌ها در حیطة رفتاری	- کرامت و عزت نفس ناظر بر امور مادی و محیطی است - احساس کفایت از میزان تخمین توانایی‌ها، تأثیر بر محیط و در قالب ارزیابی خود و دیگران حاصل می‌شود	- مبنا و معیار ارزیابی: رشد مادی در کنار رشد روحی و معنوی
C2	نهج‌البلاغه	- سازمان‌دهی رفتاری و سامان‌دهی اشیاء پیرامون	مفاهیم در این مقیاس به هم نزدیک هستند	خاستگاه هر مقیاس: تأیید الهی
	نظریه ۵ عاملی	- بشر موجودی وظیفه‌دار و مسئولیت‌پذیر - پیوند و تعامل این مقیاس با پابندی به اصول و تعهدات اخلاقی	- ایمان و تقوا اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری، اداره و پابندی به این مقیاس در امور دنیوی و دینی	
C3	نهج‌البلاغه	- پیوند و تعامل این مقیاس با پابندی به اصول و تعهدات اخلاقی	اداره کردن آگاهانه و انجام اعمال با نظارت وجدان	- جهان‌بینی: غفلت
	نظریه ۵ عاملی			

از ضمیر باطنی انسان و ارتباط وی با خداوند در نتیجه، نگاه انسان محورانه و محدود به زندگی فردی و اجتماعی - مینا، محور و معیار ارزیابی: تجارب شخصی و هرآن چه موجب رشد و پیشرفت شود.	- تقسیم تلاش به دو نوع فیزیکی و فکری و ارزیابی ارزش انسان با آن - ممنوع بودن انحصار تلاش در جهت تک‌بعدی زیستن، در هر یک از زندگی دنیوی و اخروی - اولویت تلاش‌ها جهت بهره‌گیری اخروی	- تأکید بر زیست هدفمندانه - تأکید بر تلاش و نگاه ارزشی به عنصر تلاش و افراد ساعی	نهج البلاغه	C4
	محور تلاش افراد، دستیابی به اهداف دنیوی و تأمین زندگی اجتماعی		نظریه ۵ عاملی	
خاستگاه هر مقیاس: ارزشیابی و تأیید اجتماعی	توجه به تقوا به عنوان اصلی‌ترین عوامل خودتنظیمی	- اشتراک در مفهوم نظم درونی - توانمندی محافظت‌کننده فرد در مواجهه با موانع	نهج البلاغه	C5
	- توجه به خویش‌داری فرد در کنترل رفتار و سازگاری با اجتماع		نظریه ۵ عاملی	
	عدم انعطاف در اصول دین و اجرای دستورات الهی	مقیاسی است همراه تدبیر و آینده‌سنجی و مبتنی بر خردورزی و کیاست	نهج البلاغه	C6
	عدم تعیین دقیق مرز تعادل در انعطاف‌پذیری		نظریه ۵ عاملی	

پیشنهادها: تدوین پژوهش‌هایی که نقش دین و میزان تأثیر آن در شکل‌گیری هر شاخص در آن‌ها تبیین گردد. سایر مؤلفه‌های خاص و مؤثر موردنظر اسلام‌شناسایی و میزان تأثیر آن بر افراد هر تیپ سنجیده و بر اساس صفات ارائه‌شده در الگوهای عینی و صاحبان مناصب، مسئولیت‌ها و مشاغل پیشنهادی نهج البلاغه در هر تیپ عرضه گردد.



منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه سید رضی، محمد بن حسین، بی تا. تصحیح: صبحی صالح. چاپ اول، قم: مؤسسه دارالهجره.
- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۳۷۷ ش، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی.
- ۲- ابن بابویه القمی، محمد بن علی، ۱۴۰۰ ق، امالی، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ۳- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۴- ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۶ ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۶ ش، کرامت در قرآن، تهران: مرکز فرهنگی رجا.
- ۸- حق شناس، حسن، ۱۳۹۵ ش، طرح پنج عامل شخصیت شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات روان سنجی.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۸۵ ش، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا
- ۱۰- رایبیز، استیفن پی، ۱۳۷۴ ش، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- ۱۱- ری شهری، محمد، ۱۴۱۶ ق، میزان الحکمه، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- ۱۲- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی، ۱۳۹۱ ش، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ویرایش.
- ۱۳- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۰۳ ق، الامالی، تحقیق: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

- ۱۴- فراهیدی، عبدالرحمن خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم السامرائی، قم، موسسه دارالهجرة.
- ۱۵- کراچکی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ق، *کنزالفوائد*، چاپ اول، قم: دار الذخائر.
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۱۷- لورنس ای، پروین، اولیور بی، جان، ۱۳۸۹ش، *شخصیت: نظریه و پژوهش*، ترجمه: محمدجعفر جهادی، پروین کدیور، چاپ سوم، تهران: آبیژ.
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفا.
- ۱۹- محمودی، محمدباقر، ۱۳۷۶ش، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰- معین، محمد، ۱۳۷۹ش، *فرهنگ فارسی*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۱- ورسلی، پیترز، ۱۳۷۸ش، *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: سعید، معیدفر، چاپ اول، تهران: تیبان.
- ۲۲- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

مقالات

- ۲۳- اسماعیلی، مریم و یزدانی، مریم، ۱۳۹۶ش، «مطالعه تطبیقی فضائل اخلاقی شش‌گانه در روان‌شناسی مثبت و نهج البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، س ۱۱، ش ۲۰.
- ۲۴- کشاورز، امیر، شاه‌نظری، مهدی، کلانتری، مهرداد، ۱۳۸۸ش، «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی در دانشجویان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، س ۱۱، ش ۴.
- 25 _Costa, P. T., & Mc Crae, R. P. (1992). *Normal Personality assessment in clinical practice*: The NEO personality inventory, psychological assessment. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*.
- 26 _Kanfer, R., & Ackerman, P.L. (2004). *Aging, adult development, and work motivation*, *Academy of Management Review*
- 27 _Robert R pT, costa JR. *Personality in Adulthood A Five-Factor Theory Perspective*. New York London, The Guilford Press

